تلاش برای التیام یک زخم

خرم، علی

علی خرم‏ درباره اجلاس اخیر گروه هشت باید به چند نکته توجه‏ کرد:

نخست اینکه اگر به سوابق اجلاس گروه هشت در سال‏های گذشته توجه کنیم درمی‏یابیم که روندی تقریبا مشخص بر آن حاکم بوده است.این روند غالب، تبعیت 8 G از نظرات آمریکاست.پیوستن روسیه به جرگه‏ کشورهای عضو نیز تغییری در این روند ایجاد نکرده‏ است.در واقع دستور کار،همواره از سوی آمریکا ارائه‏ شده و طبعا در بردارنده موضوعاتی است که آمریکا علاقه‏مند به طرح آن‏هاست.

مثال بارز این امر دو سال پیش رخ داد؛یعنی پس از پیروزی آمریکا بر عراق و به هنگام طرح موضوع‏ خاورمیانه.در واقع با تأکید ایالات متحده این موضوع‏ به تنها موضوع در دستور کار 8 G در"سی آیلند"تبدیل‏ شد.وضع به گونه‏ای بود که همه شرکت‏کنندگان در اجلاس،حتی روسیه،ایتالیا،فرانسه و...که با طرح‏ موضوع خاورمیانه بزرگ مخالف بوردند،با گرمی تمام‏ به بحث درباره آن پرداختند.اشاره به این موضوع برای‏ یادآوری این نکته است که موضوعات 8 G جنبه چندان‏ جهانی ندارد و این اجلاس بیشتر در صدد تأمین منافع‏ ملی و امنیت آمریکاست.در واقع در بررسی اجلاس‏ گروه هشت باید به روند ثابت و مستمر آن توجه‏ داشت.

پیش از برگزاری نشست امسال 8 G نیز تبلیغات مورد نظر آمریکایی‏ها صورت گرفت.حتی محل برگزاری‏ اجلاس یعنی شهر سن پترزبورگ و کشور روسیه نیز مورد انتقاد قرار گرفتند.هدف آن بود که برگزاری اجلاس‏ در روسیه به اهرمی برای اعمال فشار علیه آن کشور یا امتیازی تبدیل شود که آمریکایی‏ها به روسیه اعطا کرده‏اند.امتیاز دومی که به روس‏ها داده شد اتمام دوره‏ 10 ساله مذاکرات آن کشور برای پیوستن به سازمان‏ جهانی تجارت و ورود به WTO بود.امتیاز سوم هم‏ استراتژی انرژی قرن و نحوه جاری‏شدن و انتقال انرژی‏ از روسیه به سوی اروپا بود.گفته می‏شود از میان همه‏ راه‏های مطرح،بهترین مسیر،روسیه است و مسیرهای‏ دیگر،راه ایران و هر راه دیگری،در سایه قرار می‏گیرند. امتیاز دیگر آمریکا پرداخت مبالغ گزاف به روسیه در ازای‏ دفن زباله‏های هسته‏ای آمریکاست.

این چهار دستاورد برای روسیه بسیاری مهم هستند، چندان که در ازای آن‏ها به مقابله با سیاست‏های دیگر آمریکا نخواهد پرداخت.در حالی که روسیه به این چهار دستاورد چشم دوخته،عدم عضویت چین در 8 G ،به رغم‏ تأثیرگذاری آن کشور بر اقتصاد جهانی قابل تأمل است.

انگیزه روسیه از تلاش‏ 10ساله برای پیوستن به‏ سازمان جهانی تجارت به هیچ‏ روی اقتصادی نیست،بلکه‏ سیاسی است؛در واقع روسیه‏ در پی حضور در این سازمان‏ به عنوان یک قدرت است

هرچند چنان که پیداست در مقطع کنونی کشور مهم‏ برای آمریکا و اروپا روسیه است و نه چین.

اولویت کنونی روسیه بر چین نزد آمریکا و اروپا دو دلیل دارد:

اول اینکه اگر آمریکا و اروپا موفق به جذب روسیه شوند جلب توافق چین آسان‏تر است.در واقع چین در قضیه‏ هسته‏ای ایران و صلح و امنیت بین المللی فعلا تابع‏ روسیه است.

دلیل دوم،بلوک در حال نضج شانگهای است.تشکیل‏ بلوک شانگهای یادآور اتحاد روس و چین علیه ایالات‏ متحده آمریکا در دوران استالین و مائوتسه دون است. این اتحاد،از منظر منافع و امنیت ملی آمریکا،نباید بار دیگر شکل بگیرد.برای پیشگیری از شکل‏گیری چنین‏ اتحادی،گرچه چین از موقعیت مستحکم‏تری نسبت به‏ روسیه برخوردار است،آمریکا به روسیه چشم امید دوخته است.به ویژه از آن رو که استراتژی امنیت انرژی‏ اروپا از طریق روسیه تأمین خواهد شد.

به بحث سرآغاز و موضوع شکل‏گیری خاورمیانه‏ بزرگ باز گردیم،چرا که تحولات در حال وقوع در اسرائیل نتیجه آن روند است.هم اکنون جناح جدیدی‏ در اسرائیل بر سر کار آمده است.همچنان که می‏دانیم‏ دو سوم هیات دولت آقای اولمرت تحصیلکرده و تربیت شده فرانسه هستند.به همین خاطر اکنون‏ تضادی در منطقه از یک سو میان حماس و فتح و از سوی دیگر سیاست‏های منطقه‏ای اسرائیل بروز کرده‏ است.تهاجم اسرائیل به غزه و لبنان ریشه در درگیری‏ منافع آمریکا و فرانسه در محدوده لبنان،اسرائیل و سوریه دارد.

در این تحولات،موضوعات دیگری هم وجود دارند که توجه به آن‏ها می‏تواند به درک قضیه کمک کنند.

روسیه برای اینکه بتواند در اجلاس گروه هشت موفق‏ شود،باید اطمینان یابد که نظر ایران در مورد بسته‏ پیشنهادی اروپا مثبت است،چه در غیر این صورت به‏ دستاوردهای خود نائل نخواهد شد.علت هم آن است‏ که روسیه نمی‏تواند در مقابل ایران روش برخورد مستقیم را درپیش بگیرد و ناچار است برای آینده خود ایران را در حواشی امنیت ملی‏اش حفظ کند.البته این‏ رویکرد ابدی نیست و چه بسا روسیه بنا بر ملاحظاتی‏ ناچار شود از حمایت ایران دست بردارد.سه دستاورد مورد اشاره یعنی تشکیل اجلاس در سن پترزبورگ، عبور مسیر انرژی از روسیه به اروپا و پیوستن آن کشور به سازمان جهانی تجارت می‏توانند وسوسه‏انگیز باشند،اما از نظر منافع ملی روسیه،مخالفت ایران‏ با بسته پیشنهادی قطعا سبب دردسر جدی‏ روسیه در 8 G خواهد شد.به همین خاطر نیز پوتین‏ به طور رسمی و شخصا دست به دامن ایران شده‏ و از ایران خواسته است به بسته پیشنهادی جواب‏ مثبت دهد.

نگرانی اصلی غرب در موضوع هسته‏ای ایران، به عنوان یکی از بندهای نانوشته اصلی دستور کار 8 G ،برخلاف تبلیغات ظاهری،نه صلح و امنیت‏ بین المللی،بلکه عدم توافق میان قدرت‏های‏ بزرگ یا بروز اختلاف میان آن‏هاست.به بیان دیگر از اسفند سال گذشته تاکنون آمریکا به شدت از بروز اختلاف میان قدرت‏های بزرگ بر سر مسائل‏ هسته‏ای ایران نگران بوده است.تصمیم‏ اجلاس 8 G در این باره مرهم گذاشتن بر زخمی‏ است که بر قدرت‏های بزرگ وارد آمده است.این‏ زخم باید التیام یابد تا قدرت‏های بزرگ بتوانند با همان مرزبندی و صف‏بندی پیشین به اداره‏ جهان ادامه دهند.از همین رو همه امیدوار و در تلاشند تا ایران با بسته پیشنهادی موافقت کند.اگر پاسخ‏ ایران همچنان منفی باقی بماند زخم میان قدرت‏های‏ بزرگ باقی خواهد ماند،زیرا روسیه نمی‏تواند مسیر تقابل صریح با ایران را انتخاب و از آثار درازمدت سوء آن برای امنیت ملی خود صرف‏نظر کند.چین نیز پیرو روسیه خواهد بود،زیرا همچنان که رئیس جمهور قبلی‏ آن کشور به دو رئیس جمهوری قبلی ایران گفته است، چین تا سال 2025 وارد میدان نخواهد شد؛تا آن تاریخ‏ پیروز روسیه است.

مقصود اینکه گرچه در ظاهر رویکرد اصلی سران در اجلاس 8 G توجه به مسائل اقتصادی است،ولی هدف‏ اصل گردهمایی ترمیم زخمی است که میان قدرت‏ های بزرگ ایجاد شده و درمان آن نیز فعلا مسئله‏ این چهار دستاورد برای‏ روسیه بسیار مهم هستند، چندان که در ازای آن‏ها به‏ مقابله با سیاست‏های دیگر آمریکا نخواهد پرداخت

از اسفند سال گذشته تا کنون آمریکا به شدت از بروز اختلاف میان قدرت‏ های بزرگ بر سر مسائل‏ هسته‏ای ایران نگران‏ بوده است

هسته‏ای ایران است.

با چنین تحلیلی این پرسش مطرح می‏شود که آیا ایران‏ با بسته پیشنهادی موافقت خواهد کرد؟به نظر می‏اید که ایران از نظر اصولی نمی‏تواند با بسته موافقت کند. بنا بر این در اینجا یک دیپلماسی و روش‏هایی به‏ کارگرفته شود و همه آن عواملی که اشاره گردید مورد توجه ایران قرار بگیرد.یعنی دقت شود که در دنیا چه‏ اتفاقی در حال وقوع است.بدون اطلاع از آن اگر ایران‏ قدمی بردارد ممکن است دچار خسرانی جدی شده، همه کشورهای علیه آن هم داستان شوند.لذا موقعیت‏ خطیر است.

به اعتقاد من انگیزه،روسیه از تلاش 10ساله برای پیوستن‏ به سازمان جهانی تجارت نیز به هیچ روی اقتصادی‏ نیست،بلکه سیاسی است؛درواقع روسیه در پی‏ حضور در این سازمان به عنوان یک قدرت است.

برخی از دلایلی که روسیه را از فداکردن ایران‏ برای هدف‏های کوتاه‏مدت خود بازمی‏دارد بدین‏ قرارند:

1-ایران تنها کشور اسلامی است که می‏تواند قدرت بسیج و تحریک بسیار زیادی میان‏ مسلمانان داشته باشد و در قضیه چچن مزاحمت‏ جدی ایجاد کند.

2-ایران در حوزه حیات خلوت روسیه قرار دارد و برای روسیه ارتباط دوستانه با ایران حایز اهیمت‏ فراوان است.ایران همگون با سیاست‏های روسیه‏ در آسیای مرکزی و قفقاز است و این برای روسیه‏ مهم است.

3-روسیه مایل است با برگ ایران در قضیه‏ انرژی بازی کند.اگر روسیه بتواند در موضوع‏ انرژی ایران را با خود همراه کند دومین منبع بزرگ‏ نفت و گاز دنیا را در اختیاز خواهد داشت و از رهگذر آن به وزنه‏ای سنگین و تعیین‏کننده تبدیل‏ خواهد شد.

4-ایران تنها کشوری در منطقه است که در مقابل‏ گسترش ناتو ایستادگی می‏کند.این در حالی است که‏ کشورهای دیگر،حتی پاکستان و هند،از گسترش ناتو استقبال می‏کنند و با آن همگام هستند.این،موضوعی‏ بسیار مهم برای روسیه است.

این دلایل و دلایل دیگر روسیه را وامی‏دارند تا پیوسته‏ پیوند منافع ایران را با آن کشور مدنظر قرار دهد.همچنان‏ که مشاور پوتین تأکید کرده گرچه ممکن است هسته‏ای‏ شدن ایرانی برای روسیه خطرناک باشد،اما چیزهایی نیز وجود دارند که از هسته‏ای‏شدن ایران برای روسیه‏ خطرناک‏ترند.